

## سیاست های مذهبی اسماعیلیان در قلمرو دولت اغلییان (۲۸۰-۲۹۸ ه.ق)

فروزان فرخی<sup>۱</sup>؛ مهدی انصاری<sup>۲</sup>؛ مهدی گلجان<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۱۹

### چکیده

اسماعیلیان از نیمه دوم قرن سوم هجری، مغرب اسلامی را برای ادامه فعالیت های سیاسی - مذهبی خود برگزیدند و با ورود داعیان اسماعیلی به این بخش از قلمرو اسلام، زمینه های رواج عقاید مذهبی اسماعیلی و در نهایت تشکیل حکومتی قدرتمند را فراهم آوردند. در آستانه ورود داعیان اسماعیلی به مغرب اسلامی بخش هایی از آن (افریقیه) در حاکمیت اغلییان و تحت تاثیر عقاید اهل سنت و نفوذ فقه مالکی بود. از وجوه سیاست های مذهبی داعیان اسماعیلی در قلمرو اغلییان؛ تبلیغ و تعلیم، جذب مخالفان مذهبی، ممانعت از اجرای مناسک اهل سنت و برخورد با فقهای مالکی بوده است. داعیان اسماعیلی سیاست ثابت و یکسانی نداشتند، با توجه به شرایط زمانی محافظه کارانه و محتاطانه عمل می کردند، این خط مشی تسامح گرایانه و شیوه ی مسالمت آمیز، جذب مخالفان را در پی داشت و سبب گردید تا آرام آرام زمینه ی تشکیل دولت اسماعیلی مذهب فاطمی، فراهم گردد. در این پژوهش با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی تلاش می شود تا به این پرسش پاسخ داده شود که شیوه های اجرای سیاست های مذهبی اسماعیلیان و اهداف دعوت آنان در قلمرو حکومت اغلییان چگونه بوده است؟

واژگان کلیدی: *ابو عبدالله شیعی، دعوت اسماعیلیه، خلفای فاطمی، افریقیه، اغلییان.*

<sup>۱</sup> دانشجوی دکترای تاریخ اسلام، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Forozan.Farrokhi@yahoo.com

<sup>۲</sup> استادیار گروه تاریخ، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

d\_m\_ansari@yahoo.com

<sup>۳</sup> استادیار گروه تاریخ، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. m.goljan

@12gmail.com



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

#### مقدمه

گروه های سیاسی و فرق اسلامی از نیمه ی دوم، قرن دوم هجری با در پیش گرفتن روش ها و شیوه های مختلف دعوت، در صدد جذب قلوب مسلمانان و رواج عقاید خود برآمدند و در مواردی نیز موفق به کسب قدرت سیاسی شدند. فرقه اسماعیلیه از نیمه دوم قرن سوم هجری مغرب اسلامی را برای ادامه فعالیت های مذهبی - سیاسی خودانتخاب کرد، داعیان اسماعیلی به این بخش از قلمرو اسلام وارد شدند و در ادامه با تلاشهای نظامی، تبلیغاتی، اشاعه و گسترش باورها و آرمان های مذهبی را در قالب دعوت اسماعیلی، با استقرار دولت اسماعیلی (مذهب) خلافت فاطمی) در سال ۲۹۷ ه.ق در افریقیه، قلمرو دولت اقلیبیان به اوج خود برسانند و دولتی تاسیس کنند که در آن امام اسماعیلی به عنوان خلیفه بر مسند قدرت نشست و حقانیت خلیفه عباسی که سخنگوی رسمی اهل سنت به شمار می رفت به چالش کشیده شد. همچنین این موضوع چالشی در برابر علمای اهل سنت و اقلیبیان که به خلافت عباسی مشروعیت داده بود، نیز ایجاد می کرد. در آستانه ی حضور داعیان اسماعیلی در مغرب حکومت های محلی این حوزه، عبارت بودند از، ادریسیان در مغرب الاقصی به مرکزیت فاس، رستمیان در مغرب الاوسط به مرکزیت تاهرت، بنی مدرار در سجلماسه، اقلیبیان در مغرب الادنی به مرکزیت قیروان، از بین این حکومت ها تنها اقلیبیان نمایندگان خلافت عباسی در مغرب اسلامی، مروج و حامی مذهب حنفی به شمار می رفتند. تبعیت اقلیبیان صوری و اسمی نبود، بلکه عملاً پیرو عباسیان بودند، سیاست عباسیان را که حفظ وحدت دولت اسلامی بود، ادامه دادند و تا زمان انقراض به عباسیان وفادار ماندند. امیران اقلیبی برای نشان دادن پیروی خود از خلافت و مشروعیت امارت خود، به عنوان امیر بسنده کردند تا از این طریق نشان دهند تحت سلطه خلافت عباسی حاکمیت می کنند. نام خلیفه را در خطبه می خواندند و به نام خلیفه سکه ضرب می کردند (چلونگر ۱۳۷۸: ۲۲).

از این رو، دولت اقلیبیان بزرگترین مانع سیاسی و عقیدتی پیش روی اسماعیلیان در شمال آفریقا به شمار می آمد و داعیان اسماعیلی تمام تلاش خود را برای سلطه بر قلمرو آنان به کار بردند. یکی از اقدامات مهم و اساسی اسماعیلیان برای تسلط بر قلمرو اقلیبیان، از طریق اعزام داعیان، برای نشر عقاید اسماعیلی بود. ترویج و گسترش آرمان ها، باورها و عقاید مذهب اسماعیلی سرلوحه ی سیاست های مذهبی داعیان اسماعیلی در افریقیه بود. ضعف دولت های حاکم بر مغرب در آستانه ی دعوت داعیان اسماعیلی، درگیری آنان با یکدیگر، شورش قبایل عرب و دوری منطقه ی افریقیه از مرکز

خلافت عباسی، عواملی بودند که زمینه را برای فعالیت های موفقیت آمیز داعیان اسماعیلی فراهم می کرد. داعیان اسماعیلی در قالب جنبشی شیعی، به دنبال بر پایی دولتی یکپارچه بودند و تنها آن را مشروع و دارای حق حاکمیت می دانستند و بر مشروعیت خود با عنوان حکومت شیعی در آن منطقه تأکید داشتند و مشروعیت حکومت های معاند خود (اغلبیان) را انکار می کردند. سیاست داعیان اسماعیلی در شمال آفریقا بر این اساس بود که با سنی گرایی، عمدتاً در قالب مذهب مالکی و تغییر مذهب خوارج، که دین رایج بربرها بود، مبارزه کنند و حاکمیت دینی اسماعیلیه را جایگزین آن نمایند. عبیدالله مهدی، پس از آنکه بر منصب حکومت قرار گرفت، رسمی کردن مذهب اسماعیلیه و پافشاری بر اعمال و هنجارهای شیعی در افریقیه را سرلوحه سیاست های دولت نوپای خود قرار داد. وی خط مشی تعصب و سخت گیری را در پیش گرفت که این سیاست با روش و عملکردهای قبل از تشکیل خلافت، مغایرت داشت و موجب اعتراض بومیان و فقهای مالکی شد، شاید اگر عبیدالله دیدگاه انعطاف گرایانه و رفتار مسالمت آمیز ابو عبدالله شیعی، در دوره ی دعوت را در پیش می گرفت، آنان را به هدف نزدیک تر می ساخت و مذهب اسماعیلی آرام آرام فراگیر می شد و نتایج مطلوبی در پی داشت. در این مقاله کوشش شده است به این پرسش ها، پاسخ داده شود: زمینه ها و علل انتخاب مغرب اسلامی (افریقیه) از سوی داعیان اسماعیلی چه بود؟ سیاست های مذهبی داعیان اسماعیلی در قلمرو اغلبیان چه پیامدهایی داشت؟

### پیشینه تحقیق

لازم به ذکر است پیشینه تحقیق در موضوع مقاله فاقد برجستگی خاصی است. به بیان دیگر، اگر چه تاکنون تحقیقاتی درباره دعوت اسماعیلیه به انجام رسیده، در موضوع مورد مطالعه این مقاله پژوهش مستقلی به چشم نمی خورد. با این همه چند دسته از مطالعات، نقشی راهگشا برای پژوهش در این موضوع دارند. نخست مطالعاتی که درباره وضع اجتماعی، سیاسی و اقتصادی افریقیه در عصر اغلبیان صورت گرفته است. تاریخ مملکه الاغالبه<sup>۱</sup> نوشته ابن وردان، کنز الدرر و جامع الغررائر ابوبکر بن الدوادری<sup>۲</sup>، تاریخ سیاسی دولت اغلبیان در افریقیه و صقلیه اثر ستار عودی<sup>۱</sup> از این جمله اند. این

<sup>۱</sup> ابن وردان، لابن (۱۹۸۸م)، تاریخ مملکه الاغالبه، تحقیق محمد زینهم محمد عزب، قاهره، مکتبه مدبولی.

<sup>۲</sup> الدوادری، ابوبکر بن ابیک (۱۹۶۱م)، کنز الدرر و جامع الغرر، جلد ۶، تحقیق صلاح الدین المنجد، قاهره، لجنه التالیف و الترجمة.

نوشته ها، به پرسش های این پژوهش پاسخی نداده اند، اما به سبب ارائه نگاهی به اوضاع افریقیه در عصر اقلیبیان، اهمیت دارند. به ویژه این که الدوادی، برای تبیین وقایع تاریخی از پاره ای اسناد ارزشمند اسلامی، بهره برده است. ستار عودی، نیز تصویری منسجم از تاریخ سیاسی، اوضاع اجتماعی فرهنگی افریقیه در دوران اقلیبیان ارائه می دهد. دسته دوم مطالعاتی که در تبیین فعالیت داعیان اسماعیلی و زمینه های تاسیس دولت فاطمیان در افریقیه قلمرو اقلیبیان و سیاست های مذهبی فاطمیان در مغرب صورت گرفته است. زمینه های پیدایش خلافت فاطمیان<sup>۲</sup> نوشته محمدعلی چلونگر و پیدایی فاطمیان و گفتگوهای درونی شیعیان در المناظرات اثر جعفر بن محمد بن هیثم<sup>۳</sup> در مقالات، ((سیاست فاطمیان در قبال اهل سنت در دوره دعوت و شکل گیری دولت))،<sup>۴</sup> ((باز خوانی سیاست مذهبی فاطمیان در مغرب))،<sup>۵</sup> در مقاله نخست، به سیاست و عملکرد داعیان اسماعیلی در دوره دعوت پرداخته شده و تا حدودی در پژوهش حاضر راهگشا بوده است. در مقاله دوم، نویسندگان وجوه سیاست های مذهبی فاطمیان در مغرب را مورد بررسی قرار داده اند.

### تحولات جغرافیایی - تاریخی افریقیه

قلمرو اقلیبیان محدوده ی جغرافیایی را در شمال افریقا (مغرب اسلامی) در بر می گرفت که اصطلاحاً به عنوان افریقیه شناخته شده است. افریقیه به دلیل دوری از مرکز خلافت عباسی، مکان مناسبی برای گروه های مخالفی، هم چون خوارج، علویان و برخی فرقه های شیعی اعم از زیدیه بود که آنجا را محلی مناسب برای تحقق آرمان ها و اهداف سیاسی خود یافتند. به عبارتی عوامل طبیعی و جغرافیایی و البته انسانی حاکم بر منطقه در موفقیت جریانهای سیاسی - مذهبی فوق بسیار موثر بود

<sup>۱</sup> عودی، ستار (۱۳۸۵ ش) تاریخ دولت اقلیبیان در افریقیه و صقلیه، تهران، انتشارات امیر کبیر.

<sup>۲</sup> چلونگر، محمد علی (۱۳۸۶)، زمینه های پیدایش خلافت فاطمیان، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

<sup>۳</sup> ابن هیثم، جعفر بن محمد (۱۳۸۸)، پیدایی فاطمیان و گفتگوهای درونی شیعیان در المناظرات، تحقیق ویلفرد مادولونگ، پل ای. واکر، ترجمه محمد جاودان و امیر جوان آراسته، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب.

<sup>۴</sup> موسوی، سید جمال، ذیلابی، نگار (۱۳۸۹)، ((سیاست فاطمیان در قبال اهل سنت در دوره دعوت و شکل گیری دولت))،

تاریخ و تمدن اسلامی، ش ۱۱، بهار و تابستان، از ۵۷ تا ۸۰

<sup>۵</sup> فضلی، زینب، خضری، سید احمد رضا (۱۳۹۱)، ((باز خوانی سیاست مذهبی فاطمیان در مغرب))، تاریخ و فرهنگ، ش ۸۸، بهار و تابستان، از ۲۷ تا ۴۶.

و به حفظ موجودیت آنان و گسترش دعویشان کمک شایانی می‌کرد. در این میان داعیان اسماعیلی نیز با در نظر گرفتن عوامل فوق در نیمه ی دوم قرن سوم هجری دعوت خود را جهت برپایی حکومت شیعی در مغرب آغاز کردند. موقعیت جغرافیایی کوهستان های صعب العبور ایکنجان، جایگاه ویژه ای را برای قبایل کتامة فراهم کرده بود، که ابوعبدالله شیعی از آن نهایت بهره را برد. این موقعیت در حقیقت امتیازی برای جریانهای ناراضی بود که در مواقع خطر و در راه رسیدن به اهدافی که داشتند، به کمک آن ها می آمد. در حالی که از سوی دیگر همین عامل حکمرانان محلی هوادار خلافت شرق را از کمک های خلیفه بی بهره می ساخت. در عین حال همین شرایط در زمان اوج قیام اسماعیلیان که عباسیان خطر را جدی یافتند، اعزام سپاه و کمک به موقع خلیفه، به حکومت هوادار عباسیان (اغلییان) را مشکل و گاهی غیرممکن می ساخت (چلونگر، ۱۳۸۶: ۲۴ و ۱۲۷). ابوعبدالله شیعی داعی اسماعیلی، برای شروع فعالیت های تبلیغی خود در افریقه، به ایکنجان، در منطقه کوهستانی سطیف میان بربرهای کتامة رفت (حموی، ۱۹۹۵: ۲۳۷ / ۲: دشرای، ۱۹۹۴: ۸۷). کتامة قبیله ای بزرگ، قوی، و توانا در اداره ی منطقه و قلمرو خود بودند، قبل از آمدن داعیان اسماعیلی، به جهت موقعیت خاص طبیعی و کوهستانی ایکنجان، اغلییان به رغم هم مرز بودن با بربرهای کتامة موفق به تسلط بر آن جا نشده بودند (دشرای، ۱۹۹۴: ۸۷).

### نخستین داعیان اسماعیلی در افریقه

مغرب از جمله مهم ترین نقاطی بود که اسماعیلیان در ادامه روند ترویج دعوت خود مورد توجه قرار دادند. ابو عبدالله شیعی که مسئولیت اصلی تبلیغ رسمی مذهب اسماعیلی و بار پیروزی سیاسی- نظامی آن را بر دوش داشت به عنوان نخستین و برجسته ترین داعی اسماعیلی در حوزه مغرب معرفی شده است. با اینکه بیشتر منابع تاریخی از حضور دو داعی شیعی و ظاهراً از پیروان امام جعفر صادق (ع) قبل از حضور ابوعبدالله در مغرب خبر داده اند. ابن اثیر می گوید: وقتی خبر مرگ حلوانی و ابوسفیان به ابن حوشب داعی بزرگ اسماعیلیان در یمن رسید، ابوعبدالله شیعی که از اهالی صنعا بود را به مغرب روانه کرد. ابن حوشب به ابوعبدالله گفت: به میان قبیله کتامة در مغرب برو و ثمرکشت آن دو را برگیرد (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۹۲-۹۳). قاضی نعمان در افتتاح الدعوه جزئیات بیشتری مطرح می کند و می گوید: به سال ۱۴۵ ه. ق امام جعفر صادق (ع)، دو مرد از مشرق را به نام حلوانی و ابوسفیان را فرمان داد به مغرب، سرزمین بربرها بروند. سپس هر یک در منطقه ای فرود آیند، ابوسفیان در مرمجنه، حلوانی در سوجمار، هر یک فضایل اهل بیت (ع) را برای مردم بازگو کنند (قاضی

نعمان، ۱۹۸۶: ۲۶-۳۰). ابن خلدون می نویسد: امام جعفر صادق(ع)، حلوانی و سفیانی را که از پیروانش بودند به آفریقا روانه کرد و گفت در مغرب، با سرزمین بایری روبه رو هستید، بروید آنجا را شخم بزنید تا صاحب بذر از راه برسد. یکی در سرزمین مرمایانه و دیگری در سوق حمار فرود آمد هر دوی این مناطق در سرزمین کتامة اند (ابن خلدون، ۱۳۶۶: ۴۲-۴۳).

عمادالدین ادریس، تاریخ نگار اسماعیلی در قرن نهم نیز نقل می کند: ابوعبدالله شیعی، هنگامی که با حاجیان مغربی در مکه مواجه شد، بزرگ حاجیان، ابوالمفتش گفت: به گمان من این مرد، همان ابو عبدالله است که حلوانی او را بشارت می داد(قریشی، ۱۹۸۵: ۵۵). اما ناصری طاهری نظری متفاوت تر دارد و می نویسد: قدیمی ترین منبع اسماعیلی که حلوانی و ابوسفیان را نمایندگانی از سوی امام جعفر صادق(ع) می داند و مورخان دیگر از جمله عمادالدین ادریس از او برداشت کرده اند، کتاب افتتاح الدعوه، قاضی نعمان بوده، در حالی که در آثار مورخان پیش از قاضی نعمان، حتی در کتاب های رجالی هم نامی از آن دو به عنوان اصحاب امام صادق(ع) به چشم نمی خورد(ناصری طاهری، ۱۳۹۲: ۲۷۶/۵).

نکته ی قابل توجه آنکه اگر حلوانی و ابوسفیان در سال ۵۱۴۵ ه. ق به مغرب رفته و حتی تا اواخر قرن دوم در حیات بوده باشند. چگونه بزرگ حاجیان مغربی، ابوالمفتش با دیدن ابو عبدالله شیعی، به پیروان خود گفت: لولا واحده كان الحلوانی يقولها ما تخالجنی الشك فی أن هذا الرجل هو الذی كان الحلوانی بیشر به، یعنی شك ندارم بدرستی این همان مردی است که حلوانی در مورد آن می گفت و بشارت می داد(قاضی نعمان، ۱۹۸۶: ۴۱).

فاصله میان ورود، این دو به مغرب و ورود، صاحب بذر یعنی ابو عبدالله شیعی ۱۳۵ سال بوده، عملاً غیرممکن است که دامنه حیات ابوالمفتش بزرگ حاجیان، تا زمان حلوانی که بنا به فرض در زمان امام صادق(ع) کوچ کرده امتداد یابد، زیرا این زمان سپری شده بیش تر از یک قرن و نیم می شود. این مناظره و ملاقات در اواخر قرن سوم اتفاق افتاده، اگر حلوانی و ابوسفیان نامی در مغرب بوده باشند، نمایندگان امام صادق(ع) نبوده و از داعیان اسماعیلی بوده اند، احتمال دارد که دعوت اسماعیلی از آغاز طراحی کرده که از آن به نفع خود بهره برد، و یا تعصب مذهبی و تمایل نویسندگان اسماعیلی که شیعه امامیه را با خود همراه کنند سبب بیان چنین ادعایی شده است. حسین مونس می نویسد: شهرین حوشب که در یمن مشغول دعوت بود تصمیم گرفت دعوت را به سرزمین مغرب منتقل کند. بدین منظور، ابوسفیان و حلوانی را به آنجا فرستاد. هر دو نفر به نتایج خوبی رسیدند، اوضاع و شرایط

بلاد کتامة را بررسی کردند، هواداران زیادی در میان بربرهای کتامة به دست آوردند و زمینه را برای دعوت داعیان بعدی اسماعیلی آماده ساختند. اینجا بود که شهر بن حوشب، ابوعبدالله صنعانی ملقب به داعی، را برای دعوت به سرزمین کتامة انتخاب و به آنجا فرستاد، از این روی به حلوانی و ابوسفیانی در اصطلاح دعوت، صاحب الحرث و به ابوعبدالله داعی صاحب البذر می گویند(مونس، ۱۳۹۲: ۳/۱۸). به این ترتیب و بر اساس روایات فوق می توان گفت که پیش از حضور ابو عبدالله شیعی، داعیان اسماعیلی در افریقیه و مغرب این حوزه از قلمرو اسلام تا حدودی با تشیع آشنا کرده بودند و دعوت شیعی در آن نواحی تا حدودی نفوذ کرده بود.

### سیاست های مذهبی اسماعیلیان در مرحله ی دعوت

جنبش اسماعیلی برای پیشبرد اهداف خویش، ساختار منسجم سیاسی-مذهبی به نام ((سازمان دعوت)) در قالب تشکیلات مخفیانه بنیان نهاد که از سلمیه در شام رهبری می شد. امامان اسماعیلی در دوره قبل از تاسیس دولت (دوره ستر) با هدف گسترش عقاید مذهبی و جذب پیروان((سازمان دعوت)) را به وجود آوردند و به ساماندهی آن در قالب شبکه ای از داعیان پرداختند. داعیان تحت رهبری مستقیم امام اسماعیلی در سرزمین های اسلامی به امر دعوت پرداختند و بدین ترتیب زمینه های لازم برای ظهور امام فاطمی و حاکمیت دولت فاطمی فراهم گردید(قاضی نعمان ۱۹۸۶: ۹۳، ۲۴۵). دعوت اسماعیلیان در افریقیه از هنگامی که سازمان دعوت ایجاد گردید وارد مرحله ی تأثیرگذار شد. داعیان اسماعیلی عموماً افرادی آموزش دیده و کارآزموده بودند که نقش اصلی را در سازمان دعوت برعهده داشتند و از طریق تشکیل مجالس مناظره و یا تبلیغ اصول اعتقادی، کلامی و فقهی مذهب دعوت خود را به اطلاع دیگران می رساندند(چلونگر، ۱۳۸۶: ۱۷۹). دعوت اسماعیلیان در افریقیه، قبل از حرکت عبیدالله مهدی به سوی مغرب، از سلمیه پایگاه و پناهگاه امام اسماعیلی هدایت می شد. داعیان اسماعیلی برای آسانتر کردن امر تبلیغ دعوت اسماعیلی، در مکانی به نام دارالهجره، سازمان دعوت را سازمان دهی می کردند(ابراهیم حسن، ۱۹۳۲: ۵۵، ۵۷: عبدالله محمد، ۱۹۹۱: ۴۰). در بین داعیان اسماعیلی در افریقیه ابوعبدالله شیعی، پیشوای داعیان اسماعیلی، بیشترین سهم را در گسترش و اشاعه مذهب اسماعیلی داشت و زمینه را برای حضور امام اسماعیلی و پیروان او، در نهایت تشکیل حکومت اسماعیلی مذهب فاطمیان در قلمرو اغلیبان (رقاده- قیروان)، فراهم نمود. ابوعبدالله دارالهجره و مرکزی برای اجتماع و حرکت پیروان خود که اغلب از میان بربرها بودند، در فج الاخیار، در ناحیه ایکجان واقع در قلمرو کتامة تأسیس کرده بود(ابراهیم حسن، ۱۹۵۸،



۴۹: داعیان اسماعیلی با آشنایی قبلی از عقاید و روحیات بربرها، برای پیشبرد اهداف سیاسی و مذهبی خود وارد مغرب شدند. در آستانه ورود داعیان اسماعیلی به افریقیه، به رغم آشنایی مغربیان با تشیع (به واسطه ادریسیان) اما این جریان هنوز در مغرب ریشه عمیقی نگرفته بود، زیرا بربرها عموماً پیرو مذاهب مختلف خارجی (اباضی و صفری) بودند، در قلمرو اقلیبیان، قیروان به عنوان شهری نظامی تأسیس شده بود که ساکنان آن غالباً جنگجویان عربی بودند که آنجا را سنگرگاه اهل سنت مالکی کرده بود (دفتری، ۱۳۹۴: ۹۸/۴).

از این رو در مرحله ی دعوت تبلیغی، ارائه شکل ساده ای از اعتقادات اسماعیلی عامل مهمی در موفقیت دعوت داعیان اسماعیلی بود. بنابراین سیاست مذهبی داعیان اسماعیلی در این مرحله در یک سطح عمومی صورت می گرفت و هدف، آشنایی کلی مغربیان با کیش اسماعیلی و امان اسماعیلی بود. از این روی داعیان اسماعیلی در افریقیه، در نیمه ی دوم قرن سوم، طرح شعارهایشان بر محور دعوت به الرضامن آل محمد (وادران، ۱۹۹۳: ۶۳۹). و بهره برداری گسترده از شعار مهدویت بود. نخستین پیام داعی اسماعیلی، ابوعبدالله، شعار وعده ی ظهور مهدی موعود (صاحب الدعوه) بود. براساس روایات جعل شده ی منصوب به اهل بیت (ع) این تفکر ترویج داده می شد که ظهور مهدی موعود، از مغرب خواهد بود و این که خورشید پس از گذشت سیصدسال از مغرب طلوع خواهد کرد، که منظور از طلوع خورشید، ظهور عبیدالله مهدی بود، آن هم در زمان غلبه و پیروزی فاطمیان بر اقلیبیان در افریقیه (داواداری، ۲۲: قریشی، ۱۹۸۵: ۱۵۰). از دیگر وجوه سیاست های مذهبی داعیان اسماعیلی در این سطح ساده ی دعوت تبلیغی، طرح آرمان های اصلاح طلبی و عدالت اجتماعی بود که هماهنگی کاملی با آمال و آرمان های مردم افریقیه، انگیزه های استقلال طلبانه و خواست عمومی بربرها داشت و زمینه ی گرایش بربرها به دعوت اسماعیلی را فراهم می کرد. سطح دیگر دعوت تبلیغی، تعلیم اصول باطنی عقاید اسماعیلی بود که در جلسات درسی منظم، به نام مجالس الحکمه، که به دستور ابوعبدالله به علاقمندان و گروندگان این مذهب که آمادگی لازم برای درک آن داشتند، تعلیم و ارائه می شد (دفتری، ۱۳۹۴: ۹۹/۴).

مراکز اصلی تعلیمی دعوت اسماعیلی، مجالس الحکمه ها بودند، این مجالس در سیاستهای مذهبی داعیان اسماعیلی نقش بسزایی داشتند. شیوه مجالس، تبلیغ عقاید مذهبی اسماعیلی بصورت سری در میان نوکیشان اسماعیلی بود. برای جلوگیری از آشکار شدن این تعالیم در بین مردم عادی و عام، از

نوکیش در مجالس الحکمه عهد و پیمان موسوم به سوگند عهد یا میثاق گرفته می شد (دفتری، ۱۳۹۳: ۱۶۳).

### موفقیت های نظامی ابو عبدالله در افریقه

ابوعبدالله حسین بن احمد بن محمد بن زکریا الشیعی از اهالی کوفه برای ملاقات با ابن حوشب نجار داعی یمن به عدن رفت و در آنجا به دعوت او پیوست. از القاب ابو عبدالله، مشرقی (مقریزی، ۱۹۹۶: ۵۵؛ مونس، ۱۳۹۲: ۳/۱۸) محاسب (چون در بازار الغزل بصره زمانی عهده دار این سمت بوده) و معلم نیز می نامیدند. (زیرا وی مذهب امامان باطنی را به مردم تعلیم می داد) (صنهایی، ۱۳۷۸: ۲۳-۲۴). ابوعبدالله عالم، ادیب و شاعر بود (ابن أبار، ۱۹۶۳: ۱۹۴). در سال ۲۸۰ هجری از یمن به مکه رهسپار شد و با گروهی از حاجیان کتامة آشنا گردید. وی که در مکه نزدیک آنان می نشست، موفق شد توجه آنان را به خود جلب کند، چندان که حاجیان با اصرار از او خواستند با آنها به مغرب برود. بنابراین وی به عنوان داعی اسماعیلی همراه با گروه حاجیان کتامة، بزرگ ترین قبیله بربر و علاقمند به اهل بیت (ع) به مغرب آمد (مونس، ۱۳۹۲: ۳/۱۹؛ دشراوی، ۱۹۹۴: ۸۷). او در ربیع الاول سال ۲۸۸ هجری وارد سرزمین کتامة شد (مقریزی، ۱۹۹۶: ۵۶). دانش و آگاهی او به علم حدیث اهالی کتامة را مجذوب خود ساخت و قبیله ی کتامة را به قبول امامت اهل بیت (ع) جلب نمود (ابن عذاری، ۱۴۳۴: ۱۷۰؛ مقریزی، ۱۹۹۶: ۵۷).

حضور داعی اسماعیلی، ابو عبدالله شیعی، در مغرب همزمان با حکومت ابراهیم بن محمد اغلبی بر افریقه بود، که به محض اطلاع از فعالیت تبلیغی اسماعیلیه کوشید از پیشرفت آن جلوگیری کند (امیرعلی، ۱۴۰۱: ۵۵۸). ابوعبدالله شیعی در طول مدت اقامت در میان بربرها، زندگی ساده و بدون آلابشی شبیه خود بربرها در پیش گرفت که همین خود عامل مهمی در تمایل بربرها به دعوت او می شد. ابوعبدالله شیعی پس از آنکه بربرهای کتامة را با آرمان های خود آشنا ساخت و از محبوبیت و موقعیت خود در میان آنان اطمینان حاصل کرد در صدد بسط و گسترش نفوذ خود در دیگر مناطق و نواحی مغرب برآمد. او ماهیت فعالیت خود را از مرحله ی تبلیغ و دعوت به مرحله ی مذهبی- نظامی تغییر داد. ابو عبدالله با انتخاب افراد وفادار و سرسپرده سپاه انبوهی را سامان دهی کرد و شروع به اقدامات نظامی نمود. با حمایت کتامة ها، ایکجان را به سوی تازروت ترک کرد و در آنجا کار دعوت اسماعیلی را رسماً آغاز کرد، مردم تازروت با وی بیعت کردند (ابن خطیب، ۱۹۶۴: ۳۸-۳۹). پس از آن

ابوعبدالله، حملاتش را به سرزمین اقلیبیان آغاز کرد. وی در سال ۲۹۰ ه.ق فتح افریقیه را که شامل تونس امروزی و بخش شرقی الجزایر می شد و در آن زمان اقلیبیان بر آن حکومت می کردند، را شروع کرد. وی پس از تصرف شهرهای میله، سطیف و دفع سپاهیان اقلیبی به حملات منظمی به شهرهای بلزمه، قفصه، قسطیلیه، اُربس و دیگر شهرهای بزرگ افریقیه دست زد و موفق شد طنبه مرکز ناحیه زاب را فتح کند (نویری، بی تا: ۸۰؛ دفتری، ۱۳۹۳: ۱۶۰؛ قریشی، ۱۹۸۵: ۱۰۳-۱۰۵).

موفقیت های پی در پی سپاه کتانه تا سال ۲۹۶ ه.ق خبر از سقوط مسلم قیروان، پایتخت اقلیبیان می داد. در چنین اوضاع و احوالی زیاده الله سوم آخرین امیر اقلیبی، در رقاده به عیاشی مشغول بود (قریشی، ۱۹۸۵: ۱۰۰). سقوط شهر اُربس مایه نومیدی زیاده الله سوم شد او، شتاب زده رقاده پایتخت خود را رها کرد و دور از چشم مردم قیروان بصورت پنهانی با مقداری از اموال بیت المال فرار کرد و به مصر پناه برد (نویری، بی تا: ۸۰؛ ابن عذاری، ۱۴۳۴: ۱۸۲). سپاهیان همراه ابوعبدالله در موقع ورود به رقاده و قیروان سیصد هزار سواره و پیاده برآورد کردند (ابن عذاری، ۱۴۳۴: ۱۸۴؛ صنهاجی، ۱۳۷۸: ۲۵). ابوعبدالله توانست همزمان بر سه دولت اقلیبیان در قیروان، دولت بنی مدرادر سجلماسه و دولت رستمیان در تاهرت پیروز شود و در نهایت موفقیت سیاسی - مذهبی آن استقرار دولت اسماعیلی مذهب فاطمیان در افریقیه در سال ۲۹۷ ه.ق بود (قاضی نعمان ۱۹۸۶: ۱۳۴-۲۴۵).

#### سیاست مذهبی داعی اسماعیلی ابوعبدالله شیعی (۲۹۶-۲۹۷ ه.ق)

ابو عبدالله شیعی، شنبه یکم رجب ۲۹۶ ه.ق وارد رقاده شد (ابن عذاری، ۱۴۳۴: ۱۸۴). به رغم پیروزی ها و موفقیت های مهم سیاسی و نظامی ابوعبدالله شیعی، موفقیت در مسائل مذهبی راحت و آسان نبود، از این روی سیاست و اقدامات اساسی لازم بود. افریقیه در آن زمان کانون و پایگاه مهم مذهب اهل سنت و مالکی ها بود. با ورود ابوعبدالله به رقاده (پایتخت اقلیبیان)، در میان اکثریت مردم رقاده، مذهب مالکی رواج داشت. (ابن هیثم، ۱۳۸۸: ۷۹-۸۰؛ دشراوی، ۱۹۹۴: ۱۶۷-۱۶۸). ابوعبدالله شیعی، به عنوان نماینده و نایب امام اسماعیلی، یکسالی در افریقیه حکم راند. اکنون این سؤال مطرح است که طی یکسال و تا زمانی که عبیدالله مهدی، نخستین امام و خلیفه فاطمی به رقاده آمد، ابوعبدالله در قبال جامعه دینی اهل سنت و شهرهای سنی مذهب اقلیبیان (رقاده- قیروان)، چه سیاستی اتخاذ کرده است. ابوعبدالله در دوران دعوت و تبلیغ با لحن نرمی مردم افریقیه را به فرارسیدن حاکمیت عدالت و برابری نوید می داد و در جذب قلوب مردم افریقیه می کوشید، ابوعبدالله خط مشی تسامح و مدارا در

پیش گرفت، وی قصد داشت بدون توسل به زور عموم مردم بویژه علمای مالکی را در رقاده و قیروان با عقاید و باورهای اسماعیلی همراه سازد. وی در برخورد با مخالفان مذهبی آنان را مجبور به پذیرش عقاید دینی خود نمی کرد، از مسائل جدال آمیز دوری می کرد، با نشست به شیوه ی علمی مناسب در پی برتری اندیشه اسماعیلی بر مالکی ها بود و زمینه را برای استقرار اسماعیلیان و خلافت شیعی جدید آماده می کرد. ابزار اصلی او شیوه ی گفتگو و مناظره بود که برای تبلیغ و اشاعه مذهب اسماعیلی به کار گرفت (ابن هيثم، ۱۳۸۸: ۷۹-۸۰). مثلاً در یکی از مجالس مناظره که ابو عبدالله با حسین بن حداد از فقهای برجسته اهل سنت بر پا کرده بود، او سعی در تثبیت برتری کیش اسماعیلی داشت بر این اساس درباره ی بنیان های مذهب اسماعیلی، حقوق مشروع اهل بیت (ع) بر رهبری امت اسلامی بحث می کرد در صدد قانع کردن علمای مالکی برآمد. در این دوره قدرت مذهبی در دست مالکی مذهب ها بود و آنان، با مذاهب دیگری چون شافعی، حنفی، خوارج و معتزله اختلاف و درگیری همیشگی داشتند (دباغ، ۱۹۷۲: ۲۹۶-۲۹۸). ابو عبدالله در رقاده با استقبال علمای مالکی و مردم سنی مذهب آنجا روبرو شد، وی موفق شد با در پیش گرفتن سیاستی عاقلانه (امیر علی، ۱۴۰۱: ۵۵). با تسامح و نرم خویی قلوب مردم رقاده را جذب و در میان آنان محبوبیت کسب کند. یکی از وجوه سیاست های مذهبی ابو عبدالله در قبال اهل سنت رقاده در آن زمان تا حدی بود که در خطبه ی جدید نماز، بر پیامبر (ص)، امام علی (ع)، امام حسن (ع)، امام حسین (ع)، و فاطمه (س)، صلوات فرستاده شود: عبارت شیعی «حی علی خیر العمل» را به نماز بیافزایند و عبارت «الصلوه خیر من النوم» را از آن حذف کنند (امیر علی، ۱۴۰۱: ۵۹). وی در این مرحله سعی داشت علاوه بر موفقیت سیاسی به موفقیت مذهبی نیز دست یابد. البته نه با فشار و استفاده از قوه قهریه بلکه با کسب مقبولیت بومیان. تا زمانی که ابو عبدالله در رقاده حضور داشت درگیری آشکاری از سوی جامعه سنی رقاده، روی نداد. ابو عبدالله زمانی که از خبر دستگیری عبیدالله در سجالماسه توسط بنی مدرار خارجی مذهب مطلع شد، در رمضان سال ۲۹۶ هـ ق رقاده را به قصد سجالماسه برای رها ساختن عبیدالله ترک کرد. ابو عبدالله در مدت غیبت خود مسئولیت اصلی اداره رقاده و قیروان را به شورایی متشکل از برادرش ابوالعباس و محمد بن عمر المرورودی، ابوزکی تمام بن معارک و ابن ابی خنزیر سپرد (ابراهیم حسن، ۱۹۳۲: ۵۹-۶۰؛ ابن عذاری، ۱۴۳۴: ۱۸۶؛ قریشی، ۱۹۸۵: ۱۳۳). وضعیت اجتماعی افریقیه در زمان غیبت ابو عبدالله، به سبب عملکرد مذهبی جانشینان او و عکس العمل جامعه ی مالکی بسیار حائز اهمیت بود. جانشینان ابو عبدالله نتوانستند شیوه تسامح و مداراجویانه ابو عبدالله را ادامه دهند،

عملکرد مذهبی آنان به گونه ای بود که عکس العمل و اعتراض جامعه مالکی را تحریک کرد. اوضاع افریقیه در نبود ابوعبدالله به ناآرامی و نابسامانی کشیده شد، به عنوان مثال ابن هیثم، که خود از داعیان اسماعیلی و معاصر این دوران بود، در برخورد با علمای اهل سنت و پیروان آنان، اعلام کرد: کتاب های اهل سنت فاقد ارزش شده اند، کتاب ها به پزشکان و عطاری ها فروخته شدند و از برگه های کتابها برای بسته بندی دارو یا صدور دارو به اندلس استفاده می شد (ابن هیثم، ۱۳۸۸: ۱۸۶).

بزرگان کتامة نیز به رهبری ابوالعباس، با بعضی از فقها و بزرگان مالکی قیروان سخت گیرانه رفتار کردند، این امر سبب کشته شدن دو تن از مشاهیر مالکی، ابوبکر بن هذیل و ابراهیم بن محمد الضبی برزون در صفر سال ۲۹۷ ه.ق شد، هر دو نفر را به اتهام طعنه در مذهب اسماعیلی، بد و زشت نمودن این کیش و هم چنین به سبب این که حاضر به برتری دادن امام علی (ع) بر ابوبکر، عمر و عثمان نشدند به دستور ابن ابی خنزیر حاکم جدید قیروان، در ملا عام در دروازه قیروان به دار آویختند. اصرار و پافشاری بر ممانعت از اجرای برخی مناسک مذهبی خاص اهل سنت، بوسیله محمد بن عمر المرورودی قاضی القضاة قیروان که از سوی ابو عبدالله بدین سمت منصوب شده بود، از جمله اقامه نماز تراویح که معمولاً در ماه رمضان توسط اهل سنت خوانده می شد غیرمجاز شمردند (ابن عذاری، ۱۴۳۴: ۱۸۷).

این نوع برخوردهای متعصبانه که پس از خروج ابوعبدالله از رقاده و در زمان جانشینان او در افریقیه شروع شد، با شروع خلافت عبیدالله مهدی با جدیت و تعصب بیشتری ادامه یافت (موسوی و ذیلابی، ۱۳۸۹: ۷۰). علمای مالکی تلاش کردند تا اسماعیلیان را آشکارا به بی دینی و الحاد متهم کنند بخشی از آن در منابع اهل سنت منعکس شده است. تنش ها و تقابل های مذهبی، عکس العمل اعتراض آمیز فقهای مالکی (سعید بن حداد و جبله بن حمود) را در پی داشت (مالکی، ۱۹۸۳: ۴۱، ۴۵، ۷۵؛ دباغ، ۱۹۷۲: ۱۶۴، ۱۶۳). ابو عبدالله پس از مراجعت از رقاده، با شنیدن اخبار اعمال خشونت آمیز و سختگیری بر پیروان مذهب اهل سنت و علمای مالکی، ابوالعباس برادرش را سرزنش کرد (ابن عذاری، ۱۴۳۴: ۱۸۷). ابوعبدالله از اوضاع ناخرسند بود زیرا به رغم برنامه ریزی و دیدگاه های وی رقم می خورد و نتیجه مطلوب او (مقبولیت) را در پی نداشت.

### سیاست مذهبی عبیدالله مهدی، امام / خلیفه فاطمی (۲۹۷-۲۹۸ ق.)

عبیدالله مهدی اولین امام و خلیفه فاطمی در سلمیه متولد شده بود و همانجا استقرار داشت (طقوش، ۲۰۰۷: ۷۴). در پی موفقیت های نظامی - سیاسی ابو عبدالله داعی اسماعیلی در مغرب، او قاصدی را به سلمیه نزد عبیدالله مهدی فرستاد تا خبر فتوحات خود را به او برساند (عبدالله محمد، ۱۹۹۱: ۴۸). عبیدالله مهدی در سال ۲۸۹ ه.ق. از سلمیه، مقر اسماعیلیان در شام خارج شد (ابن خلدون، ۱۳۶۳: ۴۷). تا با خطر انداختن خود حکومت را تصاحب کند (ابن أبار، ۱۹۶۳: ۱۹۱). وی از طریق رمله در فلسطین به مصر رفت چون در آنجا تحت تعقیب بود، از مصر در لباس تجار به طرابلس رفت، در آنجا هویتش که برای اغلبیان آشکار شد، به سجلماسه پایتخت بنی مدرار رفت. الیسع بن مدرار حاکم سجلماسه عبیدالله و پسرش قائم را دستگیر و زندانی کرد (طقوش، ۲۰۰۷: ۷۶). ابو عبدالله شیعی به محض شنیدن خبر دستگیری عبیدالله، در ۱۵ رمضان سال ۲۹۶ ه.ق با سپاهی به قصد آزاد کردن عبیدالله رقاد را ترک کرد و موفق شد او را آزاد کند. هنگامی که عبیدالله مهدی به رقاد وارد شد، ندا دادند، این امام حق، مهدی موعود، امام تمامی مسلمانان جهان است (مرغی، ۲۰۰۴: ۳۴۳).

از این زمان اسماعیلیه از دوره ی ستر، به دوره ی ظهور وارد شدند و عبیدالله مهدی در ربیع آخر سال ۲۹۷ ه. ق در قیروان بر منصب حکومت نشست و قدرت را بدست گرفت (دشراوی، ۱۹۹۴: ۱۷۹). به تنظیم دولت پرداخت. او اسم خلیفه عباسی را از خطبه انداخت و در سرزمین افریقیه، شامل طرابلس، زاب و افریقیه دولت شیعی اسماعیلیه برقرار گردید (طقوش، ۲۰۰۷: ۷۷). خلافت شیعی اسماعیلی رسماً در افریقیه در قلب سرزمین سنیان مالکی مذهب، به حقیقت رسید (دفتری، ۱۳۹۳: ۱۶۱). عبیدالله، با انتخاب لقب مهدی، برای خود و نام ابو القاسم محمد بن عبدالله برای فرزندش که در حقیقت نام پیامبر (ص) را داشت، مشروعیت خلافتش را بصورت نظری از طریق نسب خود به عنوان عضوی از خاندان اهل بیت (ع) می گرفت (مرغی، ۲۰۰۴: ۳۴۴).

برای تشویق مردم به قبول حاکم جدید اسماعیلی لازم شد او را بشناسند و مشروعیتش را قبول کنند. گرفتن نام مهدی و سر دادن شعارهای مهدویت، وسیله ای دو منظوره بود تا هم مساوات طلبان را به گرد خویش جمع کند و هم به انگیزه های حق طلبی و نوید بخشی فاطمیان، جامه ی عمل ببوشاند و در ساحت دین، نامطلوبی های اجتماعی چون بی عدالتی به گونه ای به عنوان امتحان الهی پذیرفته و توجیه شوند (جان احمدی، ۱۳۸۳: ۸۷).

عبیدالله مهدی که برای تثبیت و رسمی کردن مذهب اسماعیلی در افریقیه شتاب می کرد، با پافشاری و اصرار سعی داشت اشاعه و ترویج مذهب اسماعیلی در قلمرو خود را در رأس سیاستهای مذهبی اش قرار دهد، بر همین اساس در دومین روز ورود به رقاده در ۲۰ ربیع الاخرسال ۲۹۷ ه. ق اعلامیه ای خطاب به خطیبان رقاده و قیروان صادر کرد که بعد از صلوات بر پیامبر محمد(ص)، علی(ع)، حسن و حسین(ع) فاطمه(س)، بر او یعنی عبیدالله مهدی، با ذکر دعای خاص درود بفرستند، هم چنین دستور داد مؤذنان در پایان اذان با عباراتی معین بر مقام دینی و دنیایی او تأکید کنند و نام امام فاطمی را به عنوان حافظ دین بیاورند و درود فرستند و از دشمنانش به عنوان مارقین یاد شود(قاضی نعمان، ۱۹۸۶: ۲۹۳، ۲۹۴؛ طقوش، ۲۰۰۷: ۸۰، ۸۱؛ دشرای، ۱۹۹۴: ۱۸۳).

این خط مشی مذهبی در واقع برای تشویق و آماده کردن ذهن مردم برای مشروعیت قائل شدن و پذیرش حاکمیت امام اسماعیلی بوده است در این راستا دعوت علنی مذهب اسماعیلی در دستور کار قرار گرفت. دعوت اسماعیلی در این مرحله به اجبار و استفاده از کانال زور و قوه قهریه برای پذیرفتن این باور نزدیک تر بود، چنان که اگر کسی این دعوت را نمی پذیرفت، کیفر و مجازات می شد. در اوایل حکومت عبیدالله، بعد از نماز، مردی، که شریف خوانده می شد با جمعی از داعیان در مسجد اجتماع کرده بودند و مردم را به کیش اسماعیلی دعوت می کرد هر کس دعوت را رد می کرد و نمی پذیرفت، با او به شدت برخورد می شد، و زندانی یا کشته می شد(ابن اثیر ۱۳۷۱: ۱۰۹).

دولت اسماعیلی فاطمی بیشتر حکومتی دینی به شمار می رفت، مشروعیت آن بر پایه حق بودن استوار بود. از این رو امام و خلیفه فاطمی برای تثبیت و استقرار آن می کوشید و سخت تعصب می ورزید. اصرار فاطمیان در آغاز حکومت بر اجرای شعائر اسماعیلی در بین بربرها و مردمی که مذهب سنی مالکی داشتند امری مشکل ساز شد. حکومت جدید از همان آغاز خط مشی و سیاست عمومی مشخصی در پیش گرفت که مستلزم اجرای فقه و رسوم مذهبی اسماعیلیه بود. نمونه ای از این خط مشی، نمازهای نافله که معمولاً در ماه رمضان خوانده می شد، با بودن امامی در مسجد، غیرمجاز دانسته شد. شیعه این عمل را بدعتی غیرقابل قبول می شمرد، اما، مالکیان برای آن لزوم شرعی قائل بودند(واکر، ۱۳۸۳: ۳۳، ۲۱).

تلاش دولت فاطمی برای تحمیل و قبولاندن مذهب خود، به فقهای که از ارکان مذهب سنت مالکی در مغرب بودند از مهم ترین عواملی بود که سیاست مذهبی اسماعیلیان را امری خطرناک می ساخت، چرا که فقها عملاً رؤسای کلام و پیشوایان دین بودند. روش مسالمت آمیز و تسامح ابوعبیدالله شیعی،

با توجه به رفتار و گفتارش در مرحله ی دعوت، آشکار می سازد که هدف او اشاعه و گسترش مذهب اسماعیلی می باشد، اما سیاست تعصب و شدت عمل عبیدالله مهدی، برای اشاعه مذهب اسماعیلی با روش و عملکردهای پیش از خلافت که توسط ابو عبدالله شیعی اجرا می شد مغایرت داشت. تغییر رویکرد تسامح مدار ابو عبدالله به سیاست برخورد متعصبانه ابو عبیدالله دستاورد چشمگیری نداشت، بلکه واکنش و عکس العمل گروه های سنی، جامعه مذهبی افریقیه خصوصاً علمای مالکی را نسبت به آن در پی داشت که از اصلی ترین شاخصه های دوره ی جدید تاریخ فاطمیان به شمار می رود. سال های نخستین حکومت فاطمیان سخت ترین ایام بود، از این روی بسیاری از مالکی ها به اندلس مهاجرت کردند (فضلی و خضری، ۱۳۹۱: ۳۷).

تشکیل و پایه گذاری خلافت فاطمیان اسماعیلی مذهب در افریقیه، محصول تلاش های مستمر ابو عبدالله شیعی بود، عبیدالله مهدی، از ترس قدرت نفوذ و محبوبیت ابو عبدالله که در جریان دعوت در میان بربرها بدست آورده بود، او را به قتل رساند، در حالی که ابو عبدالله داعی گمان می کرد قدرت همچنان در دستش خواهد ماند و خلیفه بصورت آلت دست او در خواهد آمد (مونس، ۱۳۹۲: ۳/۳۵). ابو عبدالله و برادرش ابوالعباس، خود را در حکومت ذی حق می دانستند. البته علت قتل ابو عبدالله قبل از آنکه در زیاده خواهی در قدرت سیاسی باشد به پشت پا زدن عبیدالله مهدی به آرمان های دوران مرحله دعوت اسماعیلی برمی گشت، براساس سیاست مالی جدید میزان مالیات وضع شده توسط عبیدالله مهدی، مشابه دوران اغلیبان بود، کتamy ها این روش و عملکرد را مغایر با نیات مالی و آرمان عدالت خواهی ابو عبدالله و اصلاحات وعده داده شده او به بربرها در دوران قیام می دانستند. ابو عبدالله از محبوبیت و موقعیتی که در میان اهالی کتامة داشت استفاده کرد و بربرها را بر ضد عبیدالله مهدی تحریک کرد (چلونگر، ۱۳۸۶: ۱۳۰: دفتری، ۱۳۹۳: ۱۷۸).

تصمیم سریع عبیدالله مهدی کار را تمام کرد و خود را از خطری بزرگ نجات داد. در روز سه شنبه ذیحجه ۲۹۸ ق. در شهر رقاده به دستور مهدی، ابو عبدالله و برادرش ابوالعباس به قتل رسیدند در این سوء ختام و حق ناشناسی مخدوم، نیز خاتمه احوال او نظیر خاتمه احوال ابومسلم خراسانی گردید (جونبی، ۱۳۸۵: ۳۵۰: قریشی، ۱۹۸۵: ۱۶۹: ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۱۱۰).

یکی از وجوه جنبه های سیاست مذهبی عبیدالله مهدی، اهمیت راهبردی اشاعه و ترویج مذهب اسماعیلی بود. عبیدالله مهدی نیامده بود که در افریقیه بماند و یک مملکتی از بربرها بوجود آورد. هدف او تشکیل یک امپراتوری بزرگ اسلامی بود، هدف او بسی بزرگتر از این بود که بربرهای کتامة



را به کیش اسماعیلی درآورد، یا افریقیه را فتح کند. شاید در این هنگام بود که برخورد میان او و ابوعبدالله شیعی و پیروان بربر وفادار به ابو عبدالله امری ناگزیر شد و در نهایت عبیدالله مهدی تقریباً یکسال بعد از آمدن به رقاده دستور به کشتن ابوعبدالله و برادرش را داد (واکر، ۱۳۸۳: ۳۱).

### نتیجه

در نتیجه ی تبلیغات وسیع و سازماندهی شده داعیان مبرزو کارآمد، تعداد زیادی در قلمرو اقلبیلان به کیش اسماعیلی گرویدند. شیوه های اجرایی سیاست های مذهبی داعیان اسماعیلی در دو مرحله ی، دعوت و در مرحله ی نخستین سال های شکل گیری و استقرار دولت فاطمیان در زمان خلافت عبیدالله مهدی، خلیفه /امام اسماعیلی، ثابت و یکسان نبود، با توجه به شرایط زمانی بیشتر محافظه کارانه و به شیوه تسامح و مدارا گرایانه صورت گرفت. اقتدار مقبولیت آنان در دوره دعوت سعی شد با ایجاد فضای مسالمت آمیز و با استفاده از ابزار تبلیغ، انگیزه و وعده دادن در قالب گفت گو و بحث و سخنرانی فراچنگ آمده بود. ابوعبدالله، داعی اسماعیلی در افریقیه با اتخاذ خط مشی و سیاست تسامح و مدارا به شیوه ای مسالمت آمیز بدون توسل به زور و سخت گیری سعی داشت بربرها و مخالفان به ویژه فقهای مالکی قیروان را با عقاید اسماعیلی همراه سازد و زمینه ی سیاسی تشکیل دولت فاطمی در افریقیه فراهم شود. موفقیت استقرار سیاسی و معنوی فاطمیان پیامد فعالیت گسترده داعیان اسماعیلی و سیاست مدارا و تسامح آنان بود، اما این سیاست نقطه مقابل عملکرد عبیدالله مهدی بود. پس از برپایی حکومت در قیروان تغییرات بنیادین در خط مشی سیاست مذهبی با اعلان رسمی کیش اسماعیلیه در قیروان، اجرای شعائر این مذهب در مجامع و مراکز عمومی شد، اقتدار انحصاری امام فاطمی بر همه جا سایه افکند در بیش تر منابع این دوره، آثار این تحول عظیم مذهبی و سیاسی مشهود است. در این فرایند عبیدالله مهدی با اقدامات سخت گیرانه و متعصبانه اتباع سنی مذهب خود معتقدان مالکی را در تنگنا قرار می داد، به دلیل حساسیت دینی دستورات بسیاری در این زمینه صادر می کرد. سیاست مذهبی عبیدالله به شیوه تلاش برای اسماعیلی کردن و تحمیل عقاید دینی اسماعیلی ولو با اجبار و سختگیری، ایجاد محدودیت بر عقاید مذهبی خاص اهل سنت مانند ممانعت از اقامه نماز تراویح به جماعت، بنابر مصالح سیاسی در دستور کار قرار گرفت تا با استفاده از آن به خلافت خود استمرار بخشد. به نظر می رسد شرایط جامعه افریقیه در آن زمان از جمله دشمنی سرسختانه فقهای مالکی با عقاید اسماعیلی، منجر به اتخاذ چنین سیاستی از سوی عبیدالله شد. سیاست مذهبی عبیدالله، نه تنها دستاورد چشمگیری به دنبال نداشت، نتایج منفی مانند همراهی

اهل سنت با شورشیان خارجی و ناکامی فاطمیان در اشاعه و فراگیر کردن مذهب اسماعیلی در میان اکثریت مردم قیروان را در پی داشت و یکی از مهم ترین عوامل ضعف دینی دولت فاطمیان و عدم تداوم حضور سیاسی - دینی آنان در قلمرو اغلیبان و مغرب شد.



## منابع و مأخذ

- ۱- ابن أبار، محمد عبدالله القضاعی، (۱۹۶۳)، الحلّه السیراء، به کوشش حسین مونس، قاهره: الشرکه العربیّه للطباعه و النشر.
- ۲- ابن اثیر، عزالدین علی بن اثیر (۱۳۷۱)، کامل تاریخ بزرگ اسلام و ایران، ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی، جلد ۱۹، تهران: موسسه مطبوعاتی علمی.
- ۳- ابن الدباغ، ابو یزید (۱۹۷۲ م)، معالم الایمان فی معرفه اهل قیروان، تحقیق محمد الاحمدی ابوالنور و محمد ما ضور، جلد ۲، مکتبه الخانجی بمصر و المکتبه العتیقه به تونس.
- ۴- ابن عذارى المراكشى (۱۴۳۴ ه)، البیان المغرب فی الاخبار الاندلس و المغرب، جلد ۱، تونس: دارالغرب الاسلامی.
- ۵- ابن خطیب، لسان الدین (۱۹۶۴ م)، اعمال اعلام، جلد ۳، دارالکتاب.
- ۶- ..... تاریخ ابن خلدون (۱۳۶۶)، ترجمه عبدالمحمد آیتی، جلد ۳، تهران: انتشارات موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ۷- ابن عماد صنهاجی، ابو عبدالله محمد بن علی، (۱۳۷۸)، تاریخ فاطمیان اخبار ملوک بنی عبید و سیرتهم، ترجمه حجت الله جودکی، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- ۸- الداواداری، ابوبکر بن عبدالله بن ایبک (۱۹۶۱ م)، کنز الدرر و جامع الغرر، تحقیق صلاح الدین المنجد، ج ۶، قاهره: جنه التالیف و الترجمه.
- ۹- امیر علی، (۵۱۴۰۱)، تاریخ عرب و اسلام، ترجمه فخر داعی گیلانی، انتشارات گنجینه
- ۱۰- ابن هیثم، جعفر بن محمد (۱۳۸۸)، پیدایی فاطمیان و گفتگوهای درونی شیعیان در المناظرات، تحقیق ویلفرد مادلونگ، پل ای. واکر، ترجمه محمد جاودان و امیر جوان آراسته، قم: دانشگاه ادیان و مذاهب.
- ۱۱- جوینی، عطاملک بن محمد (۱۳۸۵)، جهانگشای جوینی، تصحیح محمد قزوینی، جلد ۳، تهران: دنیای کتاب.
- ۱۲- چلونگر، محمد علی (۱۳۸۶)، زمینه های پیدایش خلافت فاطمیان، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

- ۱۳- حسن ابراهیم، حسن (۱۹۵۸ م)، تاریخ الدوله الفاطمیه فی المغرب و مصر و سوریه و بلاد العرب، القاهره: مکتبه النهضه المصریه.
- ۱۴- حسن ابراهیم، حسن (۱۹۳۲ م)، الفاطمیون فی مصر، قاهره: المطبعه الامیریة.
- ۱۵- دشراوی، فرحات (۱۹۹۴ م)، الخلافه الفاطمیه بالمغرب، بیروت: دارالغرب الاسلامی.
- ۱۶- دفتری، فرهاد (۱۳۹۳)، تاریخ و سنت های اسماعیلیه، ترجمه فریدون بدره ای، تهران: انتشارات فرزانه روز.
- ۱۷- دفتری، فرهاد (۱۳۹۳)، مختصری در تاریخ اسماعیلیه، ترجمه فریدون بدره ای، چاپ چهارم، تهران: انتشارات فرزانه روز.
- ۱۸- طقوش، محمدسهیل (۲۰۰۷ م)، تاریخ الفاطمیین فی شمال افریقیه و مصر و بلاد شام، لدار النفائس.
- ۱۹- عبدالله محمد، جمال الدین (۱۹۹۱ م)، الدوله الفاطمیه، قاهره: دارالعلوم.
- ۲۰- قاضی نعمان (۱۹۸۶)، افتتاح الدعوه، تحقیق فرحات الدشراوی، تونس: الشركه التونسیه للتوزیع.
- ۲۱- قریشی، ادیس عمادالدین، (۱۹۸۵ م)، تاریخ الخلفاء الفاطمیین بالمغرب، القسم الخاص من كتاب عیون الاخبار، تحقیق محمد الیعلوی، بیروت: دارالغرب الاسلامی.
- ۲۲- مالکی، ابوبکر عبدالله بن محمد (۱۹۸۳ م)، ریاض النفوس فی طبقات علماء القیروان و افریقیه، تحقیق بشیر البکوش و مراجعه محمد العروس المطوی، ج ۲، دارالغرب الاسلامی.
- ۲۳- مقریزی، تقی الدین احمد (۱۹۹۶ م)، اتعاظ الحنفاء، تحقیق جمال الدین الشیال، ج ۱، قاهره:
- ۲۴- مرغی، جاسم عثمان، الشیعہ فی شمال افریقا، موسسه البلاغ، ۲۰۰۴ م
- ۲۵- مونس، حسین (۱۳۹۲)، تاریخ و تمدن مغرب، ترجمه حمید رضا شیخی، چاپ سوم، مشهد: مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.
- ۲۶- ناصری طاهری، عبدالله (۱۳۹۲)، مقدمه ای بر تاریخ مغرب اسلامی، چاپ پنجم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ۲۷- نویری، شهاب الدین احمد بن عبد الوهاب، نهاییه الارب فی فنون الادب، تحقیق عبدالمجید ترحینی، ج ۲۴، بیروت: دارالکتب العلمیه.

- ۲۸- واکر، پل ای (۱۳۸۳)، پژوهشی در یکی از امپراتوریهای اسلامی، ترجمه فریدون بدره ای، تهران: نشر فرزانه روز.
- ۲۹- وادران، لابن (۱۹۹۳ م)، تاریخ العباسین، تحقیق المنجی الکعبی، بیروت: دارالغرب الاسلامی.
- ۳۰- یاقوت حموی، شهاب الدین (۱۹۷۷ م)، معجم البلدان، ج ۱، بیروت: دار صادر.
- ۳۱- مقالات
- ۳۲- جان احمدی، فاطمه (۱۳۸۳)، (رسمی شدن کیش اسماعیلیه و تاثیرات آن در مصر عصر فاطمی)، تاریخ اسلام، ش ۱۷، بهار، ص ۹۷-۹۴.
- ۳۳- چلونگر، محمدعلی (۱۳۷۸)، (زمینه های سیاسی تشکیل خلافت فاطمیان در افریقه)، پژوهش های تاریخی، ش ۱۸ و ۱۹، پاییز و زمستان، صص ۳۴-۱۹.
- ۳۴- فضلی، زینب، خضری، سیداحمد رضا (۱۳۹۱)، (بازخوانی سیاست مذهبی فاطمیان در مغرب)، تاریخ و فرهنگ، سال ۴۴، ش ۸۸، بهار و تابستان، صص ۴۶-۲۷.
- ۳۵- موسوی، سید جمال و ذیلابی، نگار (۱۳۸۹)، (سیاست فاطمیان در قبال اهل سنت در دو دوره دعوت و شکل گیری دولت)، تاریخ و تمدن اسلامی، سال ششم، ش ۱۱، بهار و تابستان، صص ۵۷-۸۰.

## **The Eshmaelite's Religious Policies In Aghlabian Territoty (280-2098 AH)**

Forozan Farrokhi, Mehdi Ansari, Mehdi Goljan

### **Abstract**

Eshmaelites from the second half of the third Hegira century selected Islamic west to continue their political-religious activities and by sending their claimants to this part of Islamic Territoty provided the ground of religious beliefs prevalence and finally the forming of powerful government .

At the beginging of Islamic claimants entrance to west some parts of it (Africa)were in Commondng of Aghlabin and were influenced by Sunni and dominance of Malekios jurisprudence.Eshmaelites religious policies in governmental territoty of Aghlabian until their extinction and forming Ismaili government of fatimids religion are among the noticeable points in Islamic hirtory .what has been attempted in this investigation by descriptive –analytical method based on data, relic and historical theological and doctrinal writing of Eshmalites to be addressed in answer Eshmaelites religious policies in Aghlabian territoty.How have been the purposes and executive ways of Ishmalities religious policies in Aghlabin territoty.

Training attracting religious opponents, prevention of sunnis ritual practices and conflicting with Maleki jurisconsults have been the modes of Ismai lites religious policies in Aghlabian territoty.The research method a dopted in this resrarch is historica,t,which relies on thedescription and com parison of historical data.what were the practices of the ismailis religious policies invitation in the targets of the majority Aghlabian.

**Keywords: Abu Abdu llahshia, Ismaillia Invitation,Fatimids Caliph, Africa ,Aghlabian.**